

تاریخ‌های معمایی در نسخه‌های خطی

اثر محب‌الدین یاسین ابراهیم سامرائی^۱

مترجم: عبدالحسین طالعی^۲

سخن مترجم

انجامه در نسخه‌های خطی، گاه به طور روشن نوشته می‌شود و گاه به شکل پیچیده یا به تعبیر نویسنده این مقاله، به روش معمایی. در این حال، فهرست‌نویس از یک سو به حوصله و از سوی دیگر به دانش ریاضی و مهارت‌های مربوط نیاز دارد تا تاریخ مربوط را از لابه‌لای عبارت مربوط استخراج کند، اما در کنار اینها، تجربه برای حل مشکل، نقشی اساسی دارد.

نکته مهم این است که ثبت تجربه‌های حرفه‌ای - که در اصطلاح علم کتابداری و مدیریت، به آن «مدیریت دانش» گویند - در حوزه نسخه‌های خطی کمتر اتفاق می‌افتد، در حالی که این کار برای تربیت نیروهای جوان و کاهش خطاها، ضرورت جدی دارد.

مقاله ابتکاری سامرائی، تا آنجا که نگارنده سطور خبر دارد، نخستین مقاله در این موضوع است که برای کشف رمز عبارات معمایی در تاریخ تألیف یا تاریخ کتابت نسخه‌ها، شیوه عملی میان بر عرضه می‌کند؛ بدین صورت که اجزای مختلف این‌گونه عبارات را توضیح می‌دهد و تحلیل می‌کند و مثال‌های عینی با حل مسئله می‌آورد.

۱. محب‌الدین یاسین ابراهیم السامرائی، مجلة البحوث و الدراسات الاسلامیه، چاپ بغداد، شماره ۲۸، ص ۲۰۱ - ۲۲۱.

۲. عضو هیئت علمی گروه کتابداری دانشگاه قم و دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات.
Taleie20@gmail.com

البته ارائه این مقاله به معنای تأیید کامل محتوای آن نیست، ولی از آن روی که گام آغازین در این زمینه است، امید می‌رود مورد توجه اساتید فهرست‌نویسی مخطوطات قرار گیرد و آنان نیز تجربه‌های خود را در این مورد، ثبت و تدوین کنند و به آگاهی علاقه‌مندان برسانند.

مقدمه نویسنده

کسی که به کاربرد کسرهای زمان در نسخه‌های خطی بنگرد، علاقه‌مند می‌شود این مشکل را حل کند. دیدن این گونه‌گره‌های بیان تاریخ مرا واداشت تا راهکاری برای یافتن تاریخ کتابت نسخه‌های خطی بیابم. برای حل این دشواری‌ها، مدت‌ها بر اساس تجربه‌های خود، راهکار یافته بودم، ولی به فکر افتادم که یافته‌های خود را بنویسم تا دیگران به زحمت نیفتند.

شناخت اوقات

۱. جزیی از درجه
این عنصر معمولاً آغاز یا پایان درجه‌ای از زمان را نشان می‌دهد.
مثال: «اول الجزء الثامن» یعنی: آغاز این درجه.
۲. درجه
یعنی جزئی از ساعت، که هر ساعت خود پانزده درجه است.
مثال: «اول الجزء الثامن» یعنی: آغاز درجه هشتم از ساعت که تفصیل آن خواهد آمد.
۳. ساعت
جزئی از ۲۴ ساعت که به دو نیمه تقسیم می‌شود: نیمی در شب و نیمی در روز.
مثال: «اول الجزء الثامن من الجزء الحادی عشر» یعنی: آغاز درجه هشتم از ساعت یازدهم.
۴. روزهای هفته
ترتیب روزها طبق برنامه عرب و مستعربه چنین است: یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه، جمعه، شنبه.^۱
فراء گوید: یکشنبه نخستین روز هفته است.^۲
- مثال: «السبع الرابع» یعنی: چهارمین روز هفته، چهارشنبه.
۵. روزها در ماه
جزئی از سی روز. مسلمانان آغاز روز را از غروب آفتاب یک روز تا غروب آفتاب روز بعد می‌دانستند. استدلال آنان به این مبنا بود که در قرآن همواره شب قبل از روز یاد می‌شود.

۱. قلقشندی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ج ۲، ص ۳۶۱.

۲. همان، ص ۳۶۶.

مثال: «اول الجزء الثامن من الجزء الحادى عشر من النصف الثانى من العشر الثالث من الثلث الثالث» يعنى: آغاز درجه هشتم از ساعت یازدهم روز بیست و سوم.

۶ هفته در ماه

هر ماه چهار هفته کامل دارد. وقتی هفته یاد شود، اصل بر آن است که روز از ماه یاد نشود گرچه گاه همان نیز گفته می‌شود.

مثال: «الربع الاول» يعنى: هفته اول ماه.

۷ ماه

هر سال دوازده ماه دارد، به ترتیب: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الثانى (الأخر)، جمادى الاول (الاولی)، جمادى الثانى (الأخره)، رجب، شعبان، رمضان، شوال، ذوالقعدة، ذوالحجه.

مثال: «اول الجزء الثامن من الجزء الحادى عشر من النصف الثانى من العشر الثالث من الثلث الثالث من الجزء الثانى عشر». بخش آخر آن يعنى: ماه ذى الحجه.

۸ سال

این عدد به چهار صورت یاد می‌شود: آحاد، عشرات، مئات، الف.

مثال: «... من العشر الثامن من الجزء الرابع من الجزء الثانى عشر من الهجرة النبويه» يعنى: سال هزار و صد و سی و هشت هجرى.

تاریخچه

پژوهشگران اتفاق نظر دارند که روش معماگویی و معمانویسی برای بیان تاریخ، خاستگاه عثمانی دارد. آنها می‌گویند که احمد بن سلیمان معروف به ابن کمال پاشا (متوفی ۹۴۰) - صاحب آثار فراوان و مباحث پیچیده - نخستین کسی است که این گونه تاریخ نوشت، نخستین بار که او بدین گونه نوشت، در سال ۹۲۶ یا ۹۲۲ بود.

نمونه‌ها

برای تبیین و توضیح قواعد یاد شده، نمونه‌هایی واقعی ذکر می‌شود که از نسخه‌های خطی برگرفته شده است.

نمونه اول

نخستین تاریخ رمزى منسوب به ابن کمال پاشا در رساله *خلق القرآن* او آمده است. گوید: «تم الكتاب يوم الجمعة [۱] و هو العشر التاسع [۲] من الثلث الثانى [۳] من السدس الثانى من النصف الاول

۱. شماره‌های داخل قلاب در اصل نوشته نیست. مترجم برای بهره‌وری آسان‌تر از این مثال‌ها، عددها را به اصل متن افزوده و در توضیحات به آنها ارجاع داده است.

[۴] من العشر السادس [۵] من العشر الثالث [۶] من العشر العاشر من الهجرة النبوية.

توضیح:

۱. نهمین روز که از روز اول آغاز می‌شود.

۲. ثلث دوم، یعنی فاصله یازدهم تا بیست و یکم ماه. با توجه به عبارت پیشین، روز نوزدهم نتیجه می‌شود.

۳. یعنی ماه صفر، زیرا نیمه اول سال، شش ماه است که با محرم آغاز می‌شود و صفر، دومین ماه از این نیمه است.

۴. ششمین سال از آن دهه.

۵. دهه ۲۱ تا ۳۰.

۶. سال‌های ۹۰۱ تا ۱۰۰۰ یعنی قرن دهم.

بر اساس این محاسبه، به سال ۹۲۶ می‌رسیم و تاریخ دقیق می‌شود: روز جمعه / ۱۹ / صفر / سال ۹۲۶.

نمونه دوم

عمر بن حسین آمدی تاریخ اتمام کتابت «الوسیط فی شرح الوجیز» را چنین می‌نگارد: «بُعید العصر [۱] من السبع الرابع [۲] و هو العشر الخامس [۳] من الثلث الثاني [۴] من السدس الرابع من النصف الاول [۵] من العشر الخامس [۶] من العشر السابع [۷] من العقد الثاني [۸] من الالف الثاني من الهجرة النبوية.

توضیح:

۱. چهارمین روز هفته، یعنی چهارشنبه (که از یکشنبه آغاز می‌شود)

۲. روز پنجم

۳. میان ۱۱ تا ۲۰. از ترکیب بند ۲ و ۳ روز پانزدهم نتیجه می‌شود.

۴. نیمه اول سال، از محرم آغاز می‌شود. پس چهارمین ماه، ربیع‌الثانی خواهد بود.

۵. پنجمین ماه از دهه مربوط.

۶. دهه میان ۶۱ تا ۷۰. نتیجه ترکیب آن با بند پیش، سال ۶۵ می‌شود.

۷. سده دوم یعنی سال ۱۰۱ تا پایان ۲۰۰.

۸. هزاره دوم یعنی سال ۱۰۰۱ به بعد.

نتیجه کلی می‌شود: کمی پس از عصر / روز چهارشنبه / ۱۵ ربیع‌الثانی / سال ۱۱۶۵

نمونه سوم

تاریخی که محمد بن محمد بن مصطفی اندلسی وزیر تونس در جزء دوم کتاب *الحلل السندسیه* آورده است: «[۱] اول الجزء الثامن [۲] من الجزء الحادی عشر من النصف الثاني [۳] من العشر الثالث [۴] من الثلث الثالث [۵] من الجزء الثاني عشر [۶] من العشر الثامن [۷] من الجزء الرابع [۸] من الجزء الثاني عشر من الهجرة النبوية.

توضیح:

۱. آغاز درجه هشتم ساعت.
 ۲. ساعت یازدهم روز، زیرا روز از مغرب شب پیش آغاز می‌شود، و نیمه دوم آن یعنی زمان روشنی روز.
 ۳. روز سوم از روزهای هفته.
 ۴. میان روزهای ۲۱ تا ۳۰. ترکیب این بند و بند پیش یعنی روز بیست و سوم.
 ۵. ماه دوازدهم سال یعنی ذی الحجّه.
 ۶. سال هشتم.
 ۷. میان سال ۳۱ تا ۴۰. با ترکیب بند پیش یعنی سال ۳۸.
 ۸. قرن دوازدهم یعنی سالهای ۱۱۰۱ تا ۱۲۰۰.
- نتیجه: آغاز درجه هشتم / ساعت ۱۱ روز / ۲۳ ذیحجه / ۱۱۳۸.

نمونه چهارم

احمد بن عبدالمنعم دمنهوری در کتاب *عين الحياة في استنباط المياه* می‌نویسد:

«[۱] الثانی من الثانی [۲] من الخامس [۳] من السادس [۴] من الخامس [۵] من الثانی عشر من الهجرة النبویه.»

توضیح:

۱. چند احتمال دارد: الف - ثانی الثلث الثانی: روز دوازدهم ماه؛ ب - ثانی النصف الثانی: روز ۱۶ ماه؛ ج - ثانی الخمس الثانی: روز ۱۸ ماه؛ د - ثانی السدس الثانی: روز ۷ ماه و ه - ثانی العشر الثانی: روز ۵ ماه. البته احتمال اول قوی‌تر است، چون تقسیم ماه به سه قسمت بیشتر کاربرد دارد.
 ۲. ماه پنجم یعنی جمادی الاولی.
 ۳. سال ششم از آحاد.
 ۴. دهه پنجم، میان سال ۴۱ تا ۵۰.
 ۵. میان سال ۱۱۰۱ تا ۱۲۰۰.
- نتیجه: ۱۲ / جمادی الاولی / ۱۱۴۶.

نمونه پنجم

خضر آیدینی در کتاب *شفاء الاسقام و دواء الآلام* می‌نویسد:

«یوم الاربعاء الذی هو [۱] العشر الرابع [۲] من الثلث الثالث [۳] من السدس الثانی من النصف الاول [۴] من العشر الثامن [۵] من العشر العاشر [۶] من العشر الاول [۷] من النصف الثانی من الهجرة.»

توضیح:

۱. روز چهارم از روزهای هفته.

۲. میان روزهای ۲۱ تا ۳۰ ماه.
۳. نیمه اول سال یعنی ماه محرم تا جمادی الثانی. سدس دوم آن یعنی ماه صفر.
۴. سال هشتم در مرحله آحاد.
۵. میان سال ۹۱ تا ۱۰۰.
۶. میان روز یکم تا پایان سال صدم.
۷. هزاره دوم پس از هجرت یعنی سال ۱۰۰۱ تا ۲۰۰۰ هجری. نتیجه: روز چهارشنبه / ۲۴ / صفر / ۱۰۹۸.

نمونه ششم

ابراهیم خطیب می‌نویسد:

«فی يوم الثلاثاء الذى هو [۱] الخمس الخامس من السدس الثالث [۲] من الثلث الثالث من الربع الثالث [۳] من العشر التاسع [۴] من العشر العاشر [۵] من العشر الاول [۶] من النصف الثانى من الهجره.»
توضیح:

۱. سدس سوم ماه یعنی ۱۱ تا ۱۵ ماه. و خامس آن یعنی ۱۵ ماه.
 ۲. ربع سوم سال میان هفتم تا نهم سال که سومین ماه آن ماه رمضان است.
 ۳. سال نهم از آحاد.
 ۴. میان سال ۹۱ تا ۱۰۰.
 ۵. سده اول یعنی میان روز اول تا پایان سال ۱۰۰.
 ۶. هزاره دوم هجری یعنی ۱۰۰۱ تا ۲۰۰۰.
- پس نتیجه می‌شود: سه شنبه ۱۵ ماه رمضان سال ۱۰۹۹.

نمونه هفتم

اسماعیل بن احمد غمری در کتاب *النهائیه فی شرح الهدایه* می‌نویسد:

«يوم الثلاثاء [۱] العشر الآخر [۲] من الشهر الثانى عشر [۳] من العام السادس [۴] من العشر السادس [۵] من القرن العاشر»
توضیح:

۱. بین روزهای ۲۱ تا ۳۰ ماه.
۲. ماه ذیحجه.
۳. سال ششم از آحاد.
۴. دهه ششم قرن یعنی بین سال ۵۱ تا ۶۰.
۵. بین سال ۹۰۱ تا ۱۰۰۰.

نتیجه: روز سه‌شنبه / ۲۵ / ذیحجه / سال ۹۵۶.

نمونه هشتم

محمد قصاب زاده حنفی در کتاب *خلیج البحار فی ملتقى الابحر* می‌نویسد:
«فی الیوم الخمیس [۱] الخامس من الاخماس الستة [۲] الثانی من الاسداس الستة من النصف الاول [۳]
من شهور سنة خمس و خمسين و الف.
توضیح:
۱. خمس ششم ماه یعنی بین روزهای ۲۱ تا ۲۵.
۲. نیمه اول سال یعنی محرم تا جمادی الاولى که به شش ماه تقسیم می‌شود و ماه دوم آن صفر است.
نتیجه: پنج شنبه ۲۳ صفر / ۱۰۵۵.

شناخت اجزاء وقت شناسی

۱. جزء از درجه؛ یعنی عبارت «اول الجزء آخر الجزء»
۲. درجه؛ یعنی عدد ۱۵ یا مضرب‌های آن: خمس (یک پنجم = ۳) و ثلث (یک سوم = ۵). یا اینکه جزء خاصی یاد شود؛ مانند جزء هشتم.
۳. ساعت. غالباً عدد ۱۲ برای شب و روز به کار می‌رود و در موارد معدود، ۲۴ را می‌آورند تا شبانه‌روز را در بر گیرد. در مورد اول، کسرهای آن بیان می‌شود: نصف (= ۶)، ثلث (= ۴)، ربع (= ۳)، سدس (= ۲). اگر مورد دوم بیان شود، کسرهای آن به همین نسبت تغییر می‌کند.
گاهی ساعت خاصی به عدد یاد می‌شود؛ مانند: ساعت اول.
گفتیم که اصل در این مورد، ساعت‌های روز است، لذا وقتی عبارت «النصف الاول» یا «النصف الثانی» ذکر شود، کسر دیگری در میان می‌آید.
مثال: «[۳] الجزء الاول [۲] من السدس الخامس [۱] من النصف الاول». یعنی: [۱] شش ساعت اول روز؛ [۲] ساعت پنجم؛ [۳] بخش اول از ساعت پنجم.

تکمله

اگر ۱۲ ساعت روز تقسیم نشده باشد، آن‌گاه عبارت «النصف...» بیاید، به این معنا است که آن دوازده ساعت، مربوط به روز یا شب است.
مثال: «الجزء الحادی عشر من النصف الثانی»؛ یعنی: ساعت یازده از ساعت‌های روز.
۴. روزهای هفته. در این مورد فقط کسر «سبع» (یک هفتم) صحیح است.
مثال: «السبع الاول» یعنی: نخستین روز هفته (یکشنبه).
۵. روز در ماه. در اینجا نکاتی است:

- الف - تقسیم در ماه. هر ماه سی روز است. کسرهای آن عبارت است از: نصف (۱۵ روز)، ثلث (۱۰ روز)، خمس (۶ روز)، سدس (۵ روز)، عشر (۳ روز).
- ب - آحاد. اصل آن ده روز است. کسرهای آن، نصف (۵)، خمس (۲) و عشر (یک روز) است.
- ج - دهه‌ها. هر ماه، سه دهه است. کسر آن ثلث است، یعنی ده روز.
۶. هفته در ماه. هر ماه چهار هفته است و کسرهای آن نصف (۲) و ربع (یک هفته) است.
۷. ماه. اصل در آن دوازده است و کسرهای آن نصف (۶)، ثلث (۴)، ربع (۳)، سدس (۲) است.
- مثال: «الجزء الثانی عشر»؛ یعنی ذیحجه.
۸. سال. حداکثر چهار رقم دارد. و مسائلی از جهت افراد و ترکیب بر آن مترتب است:
- الف - آحاد (یکان). عدد ۱ تا ۹. کسرهای آن از ۱۰ حساب می‌شود: نصف (۵)، خمس (۲)، عشر (۱).
- ب - عقود (دهگان). ده تا نود. کسرهای آن از ۱۰۰ حساب می‌شود، مانند: نصف (دهه پنجم)، خمس (دهه دوم)، عشر (یک دهه خاص).
- ج - مرکب. (بدون قرن). اصل در اینجا عدد صد است. کسرهای متناسب نصف (۵۰)، ربع (۲۵)، خمس (۲۰)، عشر (۱۰) است.
- د - قرن. یعنی: رأس یک سده. اصل عدد ده است. با تقسیم‌های متناسب.
- هـ - هزاره. شامل دو عدد: هزاره اول (۱ تا ۱۰۰۰) و دوم (۱۰۰۱ تا ۲۰۰۰) که اکنون در آن هستیم. دو حالت در اینجا وجود دارد:
- نخست: افراد. مثال: «من الجزء الاول»؛ یعنی هزاره اول. «من الجزء الثانی»؛ یعنی هزاره دوم.
- دوم: ترکیب. در اینجا هزاره با قرن یاد می‌شود؛ یعنی عدد سده‌ها معین می‌شود، بدون ذکر عدد هزاره. اگر عدد سده کمتر از ده باشد، عدد در هزاره اول است و اگر بیش از ده باشد، در هزاره دوم.

چند نکته دیگر

نکته اول

باید دانست که کسرهای یادشده، اصلی است و روز خاصی را نشان می‌دهند. مثال: «الثلث الثانی من العشر الاول»؛ یعنی روز دوم از ماه. در اینجا کسری از یک کسر آمده است.

نکته دوم

گاهی تاریخ به طور صریح و مستقیم یاد می‌شود. در این صورت لازم نیست که از آغاز تا پایان کسری باشد؛ مثلاً در نمونه اول و پنجم و هفتم و هشتم، روز هفته قید شده است (جمعه، چهارشنبه و ...).

نکته سوم

درجات عبارات را از جهت کنایه و تصریح باید شناخت:

- الف - بیان روز به صراحت. مانند «الاربعاء» یا «اول الالف الثانیه».
- ب - بیان سال به صراحت. مانند کاربرد کلمه جزء. این کلمه، مقدار مطلق است و در دلالت مستقیم بر معدود، صراحت دارد. البته در وهله اول به اعتبار اینکه مقداری غیر معلوم است، اشکال دارد.
- مثلاً «اول الجزء الثامن»؛ یعنی آغاز درجه هشتم از ساعت. این عبارت صریحاً بر درجه دلالت دارد. اما اصل آن معلوم نیست. لذا کسی که تاریخ را می خواند، موضع این درجه از ساعت را نمی شناسد.
- ج - کنایه، که پیشتر درباره آن بحث شد.
- د - عقد (دهه) که برای عدد ۱۰ تا ۹۰ به کار می رود، ولی گاهی برای قرن نیز استفاده می شود. مثلاً «العقد الثانی من الالف الثانیه»؛ یعنی قرن دوم از هزاره دوم، سال ۱۱۰۱ تا ۱۲۰۰.

نکته چهارم

شناخت زمانی که عبارت بدان آغاز می شود، لازم است. مثلاً «ثانی السدس الاول» یعنی ساعت دوم. کسی که به چنین مطلبی متفطن نشود، می پندارد که این تاریخ با ماه شروع شده است، لذا در تعیین حساب به مشکل می افتد.

نکته پنجم

شناخت تقدیم و تأخیری که گاهی در این طریقه قرار می گیرد، لازم است. مثلاً «آخر السدس الاول»؛ یعنی روز پنجم ماه. در اینجا تعیین روز از ماه بر تعیین روز از هفته مقدم شده و این خلاف اصل است. کسی که این نکته را نفهمد، آغاز ساعت از روز شنبه را می فهمد نه روز از ماه یا هفته ای را که روز در آن قرار گرفته است. اشکال زمانی روی می دهد که در عبارت مورد بررسی در نسخه خطی، کلمه ای محو یا دستکاری شده باشد. به هر حال، اگر متن مورد بررسی، برای تقسیم، کلمه «من» آورده باشد، مقصود از آن ساعت است؛ وگرنه روز از ماه را اراده می کند؛ مثال: «السبع السابع من العاشر من لاول بعد الالف».

صحیح: شنبه / ۵ / شوال / ۱۰۰۱.

مثال دیگر: «الساعة الثانیة من نهار السبت / شوال / ۱۰۰۱»

در اینجا روز مانند حالت سابق یاد نشده یا اینکه گفته نشده در کدام هفته از هفته های ماه قرار دارد.

منابع:

۱. شوقی، احمد، معجم مصطلحات المخطوط العربی، چاپ رباط، ۲۰۰۵.
۲. فراء، الایام و اللیالی و الشهور، تحقیق ابراهیم الانباری.
۳. قلقشندی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ج ۲.